

ابعاد انگیزش نیروی انسانی و مؤلفه‌های مادی آن: رویکرد قرآنی

صفحات ۷۵-۹۴

عبدالرحیم اخلاقی^۱

چکیده

انگیزش یکی از راهکارهای اصلی هدایت نیروی انسانی جهت دستیابی به رسالت، اهداف، خط مشی‌ها، راهبردهای و برنامه‌های سازمانی است. بهره‌وری نیروی انسانی سازمان، حاصل توجه همه جانبه به این نیرو و سرمایه اصلی سازمان است. این توجه زمانی حاصل می‌شود که به شخصیت به ویژه نیازهای مادی نیروی انسانی توجه شود. اینکه نیازهای مادی نیروی انسانی شامل چه ابعاد و مؤلفه‌هایی می‌شود، در مباحث مدیریتی و روان‌شناسی، تحقیقات قابل توجهی صورت گرفته است. تحقیق حاضر سعی نموده است که به منظور شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های انگیزش نیروی انسانی قرآن کریم را مطالعه نماید. در این تحقیق برای گردآوری داده از واژه‌شناسی جهت دستیابی به فهرست مؤلفه‌ها و نیازهای مادی انسان استفاده شده است و تحلیل داده‌ها و آیات به دست آمده به روش تحلیل استنباطی انجام شده است. حاصل تحقیق، معرفی سه بعد و ساحت برای انگیزش نیروی انسانی شامل بعد مادی، روانی و معنوی و ۷ مؤلفه یا نیاز مادی شامل نیاز به تغذیه، مسکن، نیاز جنسی، خواب و استراحت، کار و تجهیزات مناسب برای زندگی است.

واژگان کلیدی

انگیزش، بعد، مؤلفه، نیاز، رویکرد قرآنی.



مقدمه

نیروی انسانی یکی از منابع کلیدی و در حقیقت سرمایه اصلی سازمان محسوب می‌شود؛ اگر این نیرو به صورت کارآمد و مؤثر فعالیت و کار نماید، سازمان می‌تواند به اهداف، راهبردها و برنامه‌های خود جامه عمل بپوشد؛ اما اگر این نیرو به هر دلیل در فعالیت‌ها و عملکردهای خود، مؤثر و کارآمد نباشد، سازمان هم نمی‌تواند اهداف، برنامه‌ها، راهبردها و خط‌مشی‌های خود را عملی نماید؛ از این رو، توجه به نقش بی‌دیل نیروی انسانی، یکی از موضوعات مهم در اندیشه و نظریات اندیشمندان مدیریت شده است. یکی از راهکارهای مهم و کلیدی جهت استفاده از نیروی انسانی هر سازمان، توجه به نیازهای ایشان است که بحث انگیزش نیروی انسانی را به وجود آورده است. انگیزش نیروی انسانی در سازمان متشکل از اجزا و عناصری است که چیستی و هویت آن را تشکیل می‌دهد. در مورد اینکه مؤلفه‌های انگیزش چه چیزی می‌تواند باشد، باید به ابعاد انگیزش نیروی انسانی توجه نمود. ابعاد انگیزش نیروی انسانی بر اساس تقسیمات اندیشمندان، متفاوت است که البته هر اندیشمندی فراخور مبانی نظری و فرهنگی خود، ابعاد خاصی را برای انگیزش تعریف نموده است. یکی از دسته‌بندی‌های متعارف که ریشه در مبانی انسان‌شناسی اسلامی دارد، دسته‌بندی ابعاد انگیزش به سه بعد نیاز مادی، معنوی و خودساخته است. مطابق این دسته‌بندی، می‌توان مؤلفه‌ها را به سه دسته تقسیم نمود: مؤلفه‌های نیاز مادی؛ مؤلفه‌های نیاز معنوی و مؤلفه‌های نیاز خودساخته. در ادامه ابتدا مفهوم‌شناسی مؤلفه و سپس هر کدام از ابعاد و مؤلفه‌های انگیزش نیروی انسانی بحث و بررسی می‌گردد.

مفهوم شناسی ابعاد و مؤلفه

دو اصطلاح بعد و مؤلفه در ادبیات مدیریتی و دینی معنا و مفهوم خاصی دارد که در ذیل معرفی شده‌اند.

ابعاد

ابعاد جمع بُعد در عربی به معنای دوری، بخش و قسمت است. در این نوشتار منظور از ابعاد، جنبه‌ها و بخش‌های مهم و کلیدی وجود یک انسان است. انسان در کنار شباهت‌های فراوانی با موجودات دیگر، «یک سلسله تفاوت‌های اصیل و عمیق با آنها دارد که هر یک از آنها بُعدی جداگانه به او می‌بخشد و رشته‌ای جداگانه در بافت هستی او به‌شمار می‌رود. این تفاوت‌ها در سه ناحیه است:

۱. ناحیه ادراک و کشف خود و جهان؛
۲. ناحیه جاذبه ایی که بر انسان احاطه دارد؛
۳. ناحیه بیتِ قرار گرفتن تحت تأثیر جاذبه‌ها و انتخاب آنها» (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۲،

منظور از سه محور فوق این است که انسان از لحاظ شناخت مجهز به دو ابزار قوی جهت دستیابی به آگاهی و معرفت است که عبارتند از احساس و تعقل. حیوانات نیز از ابزار احساس جهت درک و آگاهی از مسایل بیرون از خود برخوردارند و لذا این امر نمی‌تواند مبنع و منشأ تفاوت انسان‌ها و حیوانات شود. آنچه در این امر (تفاوت و امتیاز انسان) مهم است، توانایی تعقل و تفکر در انسان است که می‌تواند با درک امور کلی و برقرار ارتباط بین پدیده‌ها و امور، به دریافت و شناخت از جهان، مسایل و راهکارهای تازه دست آید. در بخش جاذبه‌های محیط بر انسان نیز، علاوه بر نیازهای مادی، مانند نیاز به غذا، مسکن و پوشاک، نیازهای معنوی؛ مانند نیاز به علم و دانایی، خیر اخلاقی، جمال و زیبایی و تقدیس و پرستش نیز راهنما و هدایت‌گر اعمال و رفتار انسان است که البته این امور در موجودات دیگر وجود ندارد. از نظر زیبایی شناختی نیز انسان با موجودات دیگر تفاوت مهم دارد. در حقیقت این انسان است که می‌تواند امور را زشت و زیبا ببیند. منظره زیبا، با چشم انسان قابل درک و فهم است اما در حیوانات چنین درکی وجود ندارد. لذا انسان در کنار نیازهای مادی برگرفته از بعد مادی و حیوانی، نیازهای معنوی برگرفته از بعد معنوی نیز وجود دارد.

مؤلفه

مؤلفه از ریشه الف و یالف تألیف، از باب تفعیل و به معنای ترکیب و تشکیل است. مفردات الفاظ قرآن، آن را به معنای ضمیمه نمودن یک شیء به شیء دیگر، مؤانست و محبت ترجمه و معنا نموده‌است. آنچه به عنوان وجه جمع و مشترک در همه این معانی قرار دارد، معنای اجتماع است که هم در معنای اولی و هم در معنای دومی قرار دارد. بر این اساس معنای مؤلفه، یعنی چیزی که انگیزش از آن تشکیل شده است و به عبارت دیگر عناصر و اجزایی کنار هم جمع شده و قرار گرفته‌اند و یک کل واحد را به وجود آورده‌اند.

مرادف لاتین مؤلفه، component است که این لفظ نیز مطابق فرهنگ و بستر به معنای بخشی از چیزی آمده است. نیز در فرهنگ آکسفورد آن را به معنای اجزای یک چیز گرفته است. به هر صورت منظور از مؤلفه، عنصری است که هویت و چیستی انگیزش را به وجود می‌آورد. حالا چه این عناصر به عبارت منطقی ذاتی آن شیء باشد یا عرضی خاص آن.

مؤلفه، عنصر و یا جزء هویت‌ساز انگیزش در ادبیات مدیریتی، مصادیق گوناگونی دارد. در حقیقت هر دانشمندی بر مبنای چارچوب فکری، نظریه و تقسیم خویش از نیازها، عناصر خاصی را به عنوان مؤلفه‌های انگیزش نام برده است.

روش تحقیق

در این نوشتار، ادبیات نظری و سابقه تحقیق به روش مراجعه به منابع اصلی و کتاب‌های مدیریتی انجام شده است و با استفاده از فرم‌های تحقیقی مطالب مربوطه به نیاز، ابعاد

و مؤلفه‌های انگیزش از نظر اندیشمندان مدیریتی ارائه و بحث می‌شود. در بخش قرآنی، بر اساس واژگانی که در ادبیات نظری برای انگیزش نام برده شده است، مفاهیمی لیست شده و سپس هر مفهومی مطابق فرهنگ‌نامه‌های لغت، مفهوم‌شناسی می‌گردد. حاصل این مفهوم‌شناسی، دستیابی به مفاهیم جدید با رویکرد دینی است. بعد از تعریف این مفاهیم، مؤلفه‌های مورد نظر برای انگیزش نیروی انسانی شناسایی می‌گردد. بعد از جمع‌آوری و شناسایی مفاهیم، قرآن کریم مطالعه و آیات مربوط به هر مفهوم و مؤلفه شناسایی و سپس بر اساس تفاسیر قرآن کریم، مقصود و منظور هر آیه تبیین شده است و در نهایت ارتباط مفهوم و آیه مورد نظر با بحث انگیزش تحلیل و مؤلفه‌های مادی انگیزش نیروی انسانی استخراج می‌گردد.

نمودار ۱: خلاصه فرایند تحقیق را نشان می‌دهد.



ابعاد و مؤلفه‌های انگیزش در نظریه‌های مدیریت

نظریات کلاسیک مدیریت مبتنی بر پیش فرض بنیادینی در مورد انسان و ارزش‌ها است. مفروض اصلی انسان‌شناسی نظریات کلاسیک مدیریت عقلایی بودن انسان است. البته در مورد عقلانیت رویکردهای گوناگونی وجود دارد که عبارتند از عقلانیت جوهری، غایی و ابزاری. عقلانیت جوهری به اشاره به ارزشمندی ذات یک امر اشاره دارد و به معنای این است که جوهره و ارزش ذاتی یک امر سبب می‌شود که آن شیء و امر به خاطر خودش مورد توجه قرار بگیرد. در مقابل ارزش غایی اشاره به این دارد که یک عمل بخاطر قرار گرفتن در مسیر تحقق یک هدف و غایت مهم، ارزش پیدا می‌کند. هدف و غایت مهم است و لذا عملی که در این راستا قرار می‌گیرد، مهم تلقی می‌شود. اما در ارزش ابزاری، خود ابزار مهم است و از این جهت مورد توجه قرار می‌گیرد که راه و وسیله است جهت دستیابی به هدف مادی و اقتصادی. در نگاه کلاسیک‌ها به مدیریت، انسان یک موجود عقلایی است؛ یعنی سعی می‌کند از هر راه، مسیر و وسیله برای دستیابی به اهداف

مادی خود استفاده نماید و کلاً نگاهش مبتنی بر استفاده ابزاری از هر چیز حتی از مقدس‌ترین عمل‌ها جهت راهیابی و دستیابی به منافع مادی و اقتصادی خود می‌باشد؛ از این‌رو، مؤلفه‌های انگیزش در این رویکرد، شامل نیازهای مادی، همانند غذا، پوشاک، مسکن و شراکت در سود بنگاه و عملکرد اقتصادی و مادی است.

نظریات روابط انسانی مبتنی بر این فرض هستند که انسان موجود اجتماعی است و بر مبنای عواطف، احساسات و در کل نیازهای روانی و شخصیتی خود تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند. بر این اساس مؤلفه‌های انگیزش اموری مربوط به نیازهای عاطفی و احساسی افراد می‌باشد. هر فردی از این جهت متفاوت است. نظریات روابط انسانی و نظریات مبتنی بر رعایت نیازهای رفتاری متنوع و گسترده‌اند که هر کدام بر جنبه و نکته خاصی در مورد انگیزش افراد تأکید دارند. این نیازهای گوناگون سبب ایجاد انگیزه و تحریک فرد به سوی عملکرد و اقدامات متفاوت می‌گردد.

در نظریات اقتضایی و سیستمی انسان موجود پیچیده‌ای تلقی می‌شود که نمی‌توان مبنای واحد، فرامکان و فرازمان را در مورد ذهنیت، اندیشه و نیازهای او ارائه نمود. بلکه باید انسان را در لحظه و مطابق شرایط زمانی، مکانی و موضوعی مورد مطالعه قرار داد. ممکن است، فردی نسبت به موضوع واحدی در زمان خاصی، رفتاری و نسبت به همان موضوع در زمان دیگر، رفتار متفاوت داشته باشد. نیز در مکان خاصی، نسبت به موضوع واحدی رفتاری داشته باشد که همان رفتار را در مکان دیگر انجام ندهد. نسبت به موضوعات نیز این تفاوت رفتاری و عملکرد وجود دارد. ممکن است فردی نسبت به موضوعی رفتاری داشته باشد، اما نسبت به موضوع مشابه آن رفتار کاملاً متفاوت دیگر انجام دهد. این تحلیل فقط نسبت به یک فرد بود، نسبت به افراد و گروه‌ها نیز چنین رفتار متفاوت وجود دارد و آنها در موقعیت‌ها و زمان‌های گوناگون و موضوع و یا موضوعات متنوع، رفتار گوناگون خواهند داشت.

در نظریات جدید مدیریت نیز انسان‌ها، موجودات پیچیده معرفی شده‌اند. این نظریات در مورد مؤلفه‌های انگیزش، به نیازها و در نتیجه مؤلفه‌های مطلق و همیشگی تأکید ندارند، بلکه به نیازهای متنوع و گسترده در مورد همه افراد و گروه‌ها معتقداند. این نظریات مطابق مبانی خاص خود، بر انسان‌شناسی ویژه‌ای استوار شده و هر کدام مؤلفه‌های ویژه و گاه متفاوتی را در مورد انگیزش افراد مطرح می‌نمایند.

مهم‌ترین و معروف‌ترین کار در مورد انگیزش، نظریه نیازهای مزلو است. ایشان انگیزش و در نتیجه رفتار انسان را متأثر از نیازهای وی می‌داند. نیاز به معنای محرومیت، کمبود و فقدان مانند کمبود غذا، آب و اکسیژن و یا هر حالتی که برای ادامه زندگی یک فرد ضرورت دارد، می‌باشد (براندن، ۱۳۸۸: ۴۱). این نیازها در ادبیات مدیریتی، مورد توجه اندیشمندان زیادی قرار گرفته است که از مهمترین، معروف‌ترین و پرسابقه‌ترین آن می‌توان ابراهام مزلو را نام برد. وی در تحقیقات خود روی نیاز متمرکز شده بود و به این نتیجه رسید که تأمین نیازها باعث سلامت افراد و دور شدن هرگونه بیماری‌ها و انحرافات روحی و روانی از فرد می‌شود (Maslow، ۱۹۹۸: P۲۷). علاوه بر ابراهام مزلو، سوی موری

(۱۹۶۲-۱۹۳۸) در مورد انگیزش و نیازهای انسان تحقیقاتی انجام داده بود. وی نیز فهرستی از نیازهای انسان را ارائه کرد.

دسته‌بندی‌های گوناگونی از نیازهای انسان‌ها انجام شده است که دسته‌بندی کل‌گر و جزءنگر از معروف‌ترین آنها است. در دسته اولی قلمرو کامل نیازهای انسان و رفتارهای مرتبط با آن معرفی می‌گردد که کارهای موری و ابراهام مزلو در این دسته قرار می‌گیرند. نظریات جزءنگر روی نیاز خاص و تأثیر آن بر عملکرد فرد معطوف هستند (شولتز، ۱۳۷۸: ۵۱۷). اینکه کدام نیاز مورد توجه یک نظریه قرار بگیرد و به صورت کلی طبقه‌بندی نیازها، ریشه در مبنای انسان‌شناسی نظریه‌پرداز دارد. ممکن است، اندیشمندی، انسان را موجود تک‌ساحتی بداند و لذا نیازهای او را کاملاً در نیازهای مادی محصور نماید و ممکن است، اندیشمندی، انسان را موجود دو‌ساحتی مرکب از جسم و روح بداند و لذا نیازهای او را به نیازهای مادی و روحی تقسیم نماید. در تقسیم‌بندی‌های جدید نظریات انگیزش، نیازهای انسان دارای دو بعد مادی و روانی است. این مبنا در تقسیم‌بندی اکثر نویسندگان علم روان‌شناسی و مدیریت مبنا قرار گرفته است.

مؤلفه‌های انگیزش در نگاه مزلو، شامل نیازهای زیستی، ایمنی، عشق و محبت، عزت نفس و خودشکوفایی می‌باشد که مطابق دسته‌بندی متأخر نیازها به دو بعد مادی و معنوی، می‌توان نیازهای مورد توجه اندیشمندان را به شکل زیر دسته‌بندی نمود:

جدول نیازها و مؤلفه‌های آن

| بعد نیاز | نیازهای اصلی | نیازهای فرعی و مصداق | نظریه پرداز |
|----------|-------------------------|--|--------------|
| بعد مادی | نیازهای زیستی | نیاز به تغذیه، نیاز به خواب، نیاز جنسی، | ابراهام مزلو |
| بعد روحی | نیازهای ایمنی | نیاز امنیت زندگی، کار و شغل، امنیت و آسایش روحی | ابراهام مزلو |
| | نیاز به احساس هویت | تشابه و همسانی با دیگران، تفاوت از دیگران، | اریک فروم |
| | نیاز به خودمختاری | مختار در تصمیم‌گیریها و اقدامات و رفتارهای خود | اریکسون |
| | نیاز به پیشرفت | نیاز به پیشرفت و کارکرد مؤثر افراد، نیاز به پیشرفت و رشد و بالندگی جوامع | موری |
| | نیاز به دانستن و فهمیدن | کنجکاوی، حضور فعال در فعالیت‌های جمعی، دستکاری و تحول در امور و پدیده‌ها | ابراهام مزلو |

| | | | |
|----------------------------|---|---|--|
| ابراهام مزلو | کنده کاری و نقاشی روی سنگ‌ها، توجه به لباس زیبا، مکان خوب، خانه خوب و در کل هنر با تمام انواع آن. | نیازهای زیبایی شناختی | |
| ابراهام مزلو | یادگیری و تجربه در ساحت‌های مختلف زندگی، تلاش برای بهتر شدن، بی قراری در رسیدن به بالاترین درجه در هر کار و موقعیتی | نیاز به خود شگوفایی و کمال: تبدیل شدن انسان به چیزی که توانایی بالقوه آن را دارد. | |
| ابراهام مزلو و راجرز | نیاز به مهرورزی و عشق، تعلق به خانواده، گروه، جمع، ملت و جامعه بشری | نیاز به تعلق داشتن و عشق: ارتباط و تعلق به فرد و جمعی | |
| ابراهام مزلو، کلارک و کلمز | جستجو برای حرمت در خانواده، گروه و جامعه | نیاز به احترام از سوی دیگران: میزان ارزشی که دیگران برای فرد قایل است. | |

(برداشت محقق از ادبیات علمی)

علاوه بر نیازهای مادی و روحی، اندیشمندان زیادی به نیازهای معنوی هم توجه نموده‌اند؛ از این‌رو همانگونه که مؤلفه‌ها و اجزایی برای نیازهای مادی و روحی شکل گرفته است، نیازهای معنوی نیز با اجزا و عناصر متفاوتی از سوی اندیشمندان روان‌شناسی و مدیریت ارائه و تکمیل شده‌است. نیازهای معنوی یعنی نیازهای دینی. به اعتقاد یونگ نیازهای معنوی یا نیاز به یک گرایش دینی، جزء نیازهای اصلی افراد است. وی در تحقیق خود یادآور شده است که من از میان بیمارانی که در نیمه دوم عمر خود یعنی از ۳۵ به بعد به سر می‌بردند، حتی یک بیمار را هم ندیدم که به نحوی مشکل‌اش به نیاز به یک گرایش دینی مربوط نشود. همه آنها به شکلی نیاز به دین و دینداری را مطرح می‌نمودند.

یکی از طبقه‌بندی معروف در مورد نیازهای، نظریه فیتچت، بورتون و سیوان (۱۹۷۹) است. این دانشمندان، تحقیقی را روی افراد بیست تا ۸۹ سال به منظور تبیین قلمرو کامل نیازهای معنوی انجام دادند. طبقه‌بندی نیازهای ایشان در سه محور: ۱. نیازهای باور دینی؛ ۲. نیازهای رفتار دینی؛ نیازهای حمایت اجتماعی دینی. اجزا و مؤلفه‌های هرکدام از نیازهای فوق در جدول زیر منعکس شده‌اند.

جدول نیازهای معنوی فیتجت، بورتون و سیوان

| نیازهای اصلی | نیازهای فرعی |
|----------------------------|---|
| نیازهای باور دینی | نیاز به درک حضور خدا، هدف و معنا در زندگی، نداشتن ترس از مرگ |
| نیازهای رفتار دینی | نیاز به دعا و نیایش، انجام مناسک و عبادات، نیاز به شرکت در مراسم دینی |
| نیازهای حمایت اجتماعی دینی | نیاز به مراقبت از همدیگر در گروه‌های مذهبی، رفتن به معابد و عبادات جمعی و نیاز به ملاقات با رهبران دینی |

(استنباط محقق از ادبیات علمی)

دسته‌بندی دیگر از سوی اندیشمندان مانند کویینگ و ویر انجام شده است. ایشان نیازها روانی و معنوی را در سه محور طبقه‌بندی نمودند. این سه محور عبارتند از نیازهای مربوطه به خود، نیازهای مربوط به دیگران و نیازهای مربوط به خدا. در جدول زیر این نیازها و مؤلفه‌های هر کدام ذکر شده‌اند.

| نیازهای اصلی | مؤلفه‌ها و مصادیق |
|-------------------------|---|
| نیازهای مربوط به خود | نیاز به داشتن معنا و هدف، نیاز به احساس سودمندی، نیاز به بینش و معرفت، نیاز به امید، نیاز به حمایت و کنار آمدن با فقدان و تغییر، نیاز به تعدیل و همبستگی با دیگران، نیاز به تحمل شرایط سخت و دشوار، نیاز به شرافت و حیثیت، نیاز به ابراز احساسات، نیاز به خوشبختی، نیاز به ارتباط با گذشته، نیاز به پذیرش و تحمل مرگ نزدیکان. |
| نیازهای مربوط به دیگران | نیاز با معاونت با دیگران، نیاز به محبت و خدمت به دیگران، نیاز به گذشت و چشم پوشی از خطای دیگران، نیاز به تحمل مرگ و جدایی دوستان. |
| نیازهای مربوط به خدا | نیاز به یقین داشتن به وجود خدا، نیاز به اعتقاد به اینکه خدا در کنار ماست، نیاز به درگ حضور خداوند، نیاز به درک محبت غیر مشروط خدا، نیاز به دعا در پیشگاه خدا در حق خود و دیگران، نیاز به خواندن کتاب مقدس و عمل به آن، نیاز به عبادت. |

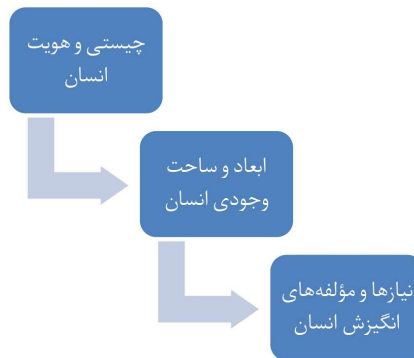
(به نقل از کویینگ، ۱۹۹۸: ۲۳۵).

ابعاد و مؤلفه‌های انگیزش در آیات قرآن کریم

در مورد ساحت و ابعاد وجودی انسان اندیشمندان مسلمان طبقه‌بندی‌های متفاوتی را ارائه نموده‌اند؛ برای نمونه می‌توان به ساحت دنیوی و اخروی وجود انسان (سبحانی، ۱۳۶۴: ج ۴، ۱۸۵-۱۸۷). ساحت مادی و معنوی وجود انسان، انسان پیش از دنیا، در دنیا و پس از دنیا (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵۸) اشاره نمود. یکی از این دسته‌بندی، دسته‌بندی ساحت وجودی انسان به دو بعد مادی و معنوی یا روحانی است. در این تقسیم‌بندی انسان، موجودی است از یک طرف جسمانی و مادی که نمایان و پیدا است و از سوی دیگر دارای بعد و ساحت روحانی و معنوی است که غیر آشکار بوده و از طریق

آثار و تأثیرات آن بر جنبه‌های مادی زندگی انسان قابل شناسایی و پیگیری است. این دو ساحت و مرتبه، به شکل‌های گوناگون روی جهت دهی ذهنیت و اندیشه، انگیزه و در نتیجه رفتار و عملکرد فرد تأثیر گذاراند. در مورد اینکه ساحت‌های مادی و روحانی انسان، چه مؤلفه‌ها و نیازها را برای انسان در پی دارد، می‌توان با مراجعه به آیات قرآن کریم، آنها را توصیف و تحلیل نمود. مبنا و روش تحلیل، انسان، غایت زندگی و ویژگی‌های بیان شده برای وی در آیات قرآن کریم است. بر مبنای این نگاه می‌توان به ابعاد و مؤلفه‌های انگیزش انسان از منظر آیات قرآن کریم دست یافت.

نمودار هویت، ابعاد و مؤلفه‌های انگیزش انسان



در مورد اینکه انسان، دارای چه هویت و ماهیت می‌باشد، قبلا در بخش مبانی بحث و بررسی شد. بر اساس آنچه در مبانی بیان گردید، انسان مخلوق و آفریده‌ای خدای متعال، مفضل به فطرت پاک الهی، دارای شأن و جایگاه خلافت الهی، اجتماعی، نیازمند دین و وحی است. چنین موجودی، دارای دو ساحت وجودی مادی و معنوی است که این امر نیز در قسمت مبانی بحث و تحلیل گردید. متناسب با این هویت و ابعاد وجودی، چگونه انسان بر انگیزش می‌شود؛ برای انگیزه دادن به این موجود به ویژه انسانی که در یک سازمان و اداره فعالیت دارد، به چه چیزی و کدام زاویه از وجود و ابعاد وجودی او توجه شود؟ قرآن کریم نسبت به این موضوع چه پاسخ، نگاه و مبنایی را معرفی نموده است.

مؤلفه‌های انگیزشی برخواسته از ساحت مادی انسان

توجه به ساحت و بعد مادی انسان جهت انگیزه دادن انسان از جمله افراد سازمانی، مورد توجه اندیشمندان مدیریتی، روان‌شناسی و متفکران مسلمان قرار گرفته است. چنانکه بحث شد، نظریه سلسله مراتب نیازهای ابراهام مزلو و نظریه لیست نیازهای مورن از معروف‌ترین اندیشه‌ها توجه به جنبه مادی انسان و نیازهای برگرفته از این ساحت و نقش آنها در انگیزش نیروی انسانی است. اندیشمندان و مفسران مسلمان در باب معرفی انسان، جنبه مادی و جسمانی انسان را یکی از قسمت‌های کلیدی وجود انسان دانسته و تحلیلات خود در زمینه‌ها و حوزه‌های گوناگون زندگی انسان معطوف به این جنبه ارائه نموده‌اند و هر اندیشمندی فراخور حوزه مطالعه خود، تأثیر جنبه مادی وجود انسان را مورد توجه قرار داده است.

قرآن کریم در مورد اینکه انسان، موجود مادی است، بیانات روشن و صریحی دارد که



متناسب با آنها می‌توان اجزا و مؤلفه‌های بعد مادی انگیزش نیروی انسانی را استنباط و تبیین نمود.

۱. نیاز به تغذیه

یکی از نیازهای اصلی انسان به عنوان یک موجود زنده و مادی، نیاز به تغذیه مناسب است. تغذیه از ابتدای فرایند زندگی به عنوان یکی از عوامل مؤثر سلامت جسمی، روانی و تداوم زندگی انسان است. اگر انسان در کودکی، نوجوانی، بزرگ‌سالی و پیری از تغذیه مناسب برخوردار نباشد، به انواع گوناگون بیماری مبتلا می‌شود و از نظر سلامت روانی و روحی نیز دچار آسیب جدی می‌گردد؛ چراکه روح و روان انسان کاملاً با یکدیگر مرتبط بوده و مشکلات یکی بر دیگری تأثیرگذار است و به تعبیر معروف «عقل سالم در بدن سالم است». این تعبیر حکایت ر خواست‌های انسان جهت دسترسی به جسم و در نتیجه روح و روان سالم است؛ از این رو، تغذیه مناسب یکی از خواست‌های اصلی و عناصر مهم در انگیزش انسان محسوب می‌شود؛ افراد زیادی در طول تاریخ گذشته، اکنون و آینده، جهت دستیابی به غذای مناسب، تلاش نموده و دائماً در حال حرکت و کار و فعالیت‌اند. این نیاز اصلی جسم انسان، هم باعث رشد و توسعه زندگی انسان‌ها در طول تاریخ شده و باعث گردیده است که ملت‌های زیادی جهت دستیابی به غذای مناسب، شب و روز برنامه ریزی، کار و تلاش نمایند و برای عملی شدن برنامه‌های خود از هیچ اقدامی فروگذار نکنند. برنامه‌های توسعه کشاورزی و صنایع غذایی از مهم‌ترین مثال‌های و تلاش‌های بشر جهت دستیابی به غذای مناسب و مفید است. از سوی دیگر دستیابی به تغذیه، باعث جنگ‌ها و نزاع‌های فردی، گروهی، قومی و کشوری شده و آسیب فراوانی بر آدمیت انسان، کمال و سعادت او وارد نموده است.

قرآن کریم در مورد توجه به تغذیه، از واژه‌های گوناگون مانند اکل و مشتقات آن، رزق و مشتقات آن، تمتع و مشتقات آن استفاده نموده است. ماده اکل و مشتقات آن با عبارت‌های گوناگون ماضی، مضارع، امر، ... استفاده شده است. واژه طعام ۴۸ بار (مائده / ۵؛ الحاقه / ۳۴؛ بقره / ۶۱؛ احزاب / ۵۳؛ یوسف / ۳۷ و ...)، واژه شراب ۳۹ بار (ص / ۵۱؛ نحل / ۱۰؛ نبا / ۲۴؛ و ...) در آیات قرآن کریم تکرار شده‌اند.

ماده اکل و مشتقات آن ۱۰۷ بار تکرار شده است. این واژه ۲۰ بار با عبارت کلوا بیان شده است. در این ۲۰ مورد تعبیرات دیگری در آیات بیان شده است که اصول و ضابطه خوردن را بیان می‌نماید. این ضوابط و اصول عبارتند از عدم ظلم به خود، عدم فساد در زمین، اکل از طیبات و عدم پیروی از برنامه‌های شیطان، اکل از طیبات و شکرگزاری نسبت به خدای متعال خوردن و رعایت تقوای الهی، خوردن و عدم اسراف؛ خوردن و درخواست بخشش گناه؛ خوردن و شبانی کردن؛ خوردن و بخشش گناهان، خوردن و روزه گرفتن؛ خوردن و انجام عمل صالح؛ خوردن به مثابه پاداش کارهای انجام شده؛ خوردن بدون تلاش و کار بدست نمی‌آید؛ خوردن و بهره بردن از متاع دنیوی، مانع عذاب الهی نمی‌شود؛ به تعبیر علامه طباطبایی: "پس اینکه فرمود: "كُلُوا وَ تَمَتُّعُوا قَلِيلًا": بخورید، و در اندک زمانی تمتع ببرید، و یا تمتعی اندک ببرید، در حقیقت می‌خواهد

ایشان را مایوس کند از اینکه با خوردن و تمتع بردن بتوانند عذاب را از خود دفع کنند، و تی نمی‌توانند جلو عذاب را بگیرند، هر چه دلشان می‌خواهد از متاع قلیل دنیا بخورند" (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲۰، ۱۵۶).

از مصادیق و آیات بیان شده در مورد خوردن به دست می‌آید که تغذیه و خوردن در انگیزش انسان تأثیر دارد و لذا خدای متعال در این آیات خوردن و کار و عملی را در کنار هم بیان نموده است؛ برای مثال در آیه ۵۱ مؤمنون، خوردن و عمل صالح کنار هم ذکر شده است. خدای متعال می‌فرماید، بخورید و عمل صالح انجام دهید؛ یعنی خوردن، نقطه قوتی شود برای انجام عمل صالح یا در آیه ۶۰ بقره فرموده است بخورید اما این خوردن به فساد و سرکشی در زمین منجر نشود. خدای متعال به نحوی در این آیات اصول و معیارهای خوردن را بیان نموده است. به عبارت دیگر فرموده است، خوردن باید به چه انگیزه و هدفی صورت بگیرد، خوردن باید به انگیزه عمل صالح باشد، به انگیزه کار و تلاش باشد، چنانکه در آیه ۵۴ طه ذکر شده است که بخورید و شبانی کنید.

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يَكْلَمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُرْكَعُهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره، ۱۷۴).

شان نزول این آیه، علمای یهود است که علم و آگاهی خویش در مورد رسالت و نبوت رسول خدا ﷺ را به منظور حفظ مقام و موقعیت خود در جامعه کتمان می‌نمودند. در این آیه بیان شده است که حفظ مقام و موقعیت دینی و اجتماعی و حفظ تمتعات دنیایی که از جمله آنها برخوردار از غذای خوب و فراوان است، باعث شد که علمای یهود علم و آگاهی خویش نسبت به رسالت رسول خدا را کتمان نماید. این آیه نشان می‌دهد که دستیابی به غذا و یا حفظ آن می‌تواند یکی انگیزه‌های مهم در انجام هر کاری از جمله تبلیغ دین و یا عدم آن باشد.

خوردن ربا سبب شده است که عده‌ای بیع را به ربا تشبیه نمایند و بگویند چنانکه ربا مجاز است، بیع هم مجاز است. این تشبیه واژگون و متضاد با برداشت عرف مبنی بر اینکه اگر قرار باشد در جواز معامله، تشبیهی صورت بگیرد، باید ربا به بیع تشبیه گردد و گفته شود، چنانکه بیع جایز است، ربا نیز جایز است؛ اما رباخواران این تشبیه را کاملاً برعکس انجام داده‌اند. علت این کار آن است که آنها اسیر دام شیطان و هوای نفس شده‌اند، از این رو تلاش نموده‌اند که کار خود مبنی بر حلیت ربا را کاملاً امر عادی نشان بدهند. این کار، ربا خواران جز به انگیزه خوردن ربا و دستیابی به سود مادی و ثروت اندوزی، هیچ دلیلی دیگری نداشته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۴۰۸).

در آیات ۱۹ طور، ۲۴ حافه و ۴۳ مرسلات به صورت صریح بیان داشته است که خوردن به مثابه پاداش کارهای انجام شده است. این نشان می‌دهد که خوردن یکی از مؤلفه‌های انگیزش افراد است. در واقع اگر برای انگیزه دادن به افراد، باید خوراک و تغذیه وی را مورد توجه قرار داد و از تغذیه می‌توان به عنوان پاداش عملکرد افراد استفاده نمود و برای درخواست کار و عمل از افراد، باید به تغذیه او به عنوان پیش شرط و یا عامل تأثیرگذار توجه نمود.



در آیات ۵ و ۱۴ سوره نحل نیز ماده اکل در قالب فعل مضارع تأکلوا استفاده شده است که نشان می‌دهد، خدای متعال به این نیاز بشر توجه داشته است. در آیه ۵ نحل می‌فرماید: "و چهارپایان را آفرید در حالی که در آنها، برای شما وسیله پوشش، و منافع دیگری است و از گوشت آنها می‌خورید! (نحل، ۵)". در این آیه به خوردن و استفاده از منافع چهارپایان اشاره نموده است. نیز در آیه ۱۴ به مسخرسازی دریا جهت استفاده انسان اشاره نموده است: "او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید و کشتی‌ها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره‌گیرید دید شکر نعمتهای او را بجا آورید! (نحل، ۱۴)"

۲. نیاز به مسکن

نیاز به سرپناه و مسکن، جزء اولین نیازهای هر موجود مادی از جمله انسان حساب می‌شود. همه انسان‌ها و هر موجود دیگر بعد از تأمین غذا، به دنبال سرپناه و مسکن هستند. این نیاز سبب شده است که انسان‌ها به مغاره‌ها پناه ببرند و با ارتقای اندیشه و دستیابی به آرامش نسبی به خانه‌سازی شروع کنند؛ به گونه‌ای که از دل این نیاز زیباترین آثار معماری خلق شود. اینکه نیاز به مسکن و سرپناه، یکی از انگیزه‌های انسان است، هیچ تردیدی وجود ندارد. در حقیقت این خواست یکی از خواست‌های طبیعی یک موجود زنده از جمله انسان است و عقل به راحتی بر ضرورت و بداهت آن حکم می‌کند. شارع مقدس نیز در قرآن کریم به این مهم توجه نموده است.

در قرآن کریم آیات زیادی به مسأله خانه و مسکن توجه نموده است. واژه‌های مرتبط با موضوع خانه و مسکن شامل واژه‌های گوناگون است که به صورت موردی برخی بحث می‌شود.

۱. **بیت:** این واژه به معنای جایگاه، مأوی و پناهگاه انسان به ویژه در شب با مشتقات خود ۷۴ بار در قرآن کریم استفاده شده است.

۲. **مسکن و مساکن:** این واژه اسم مکان از ریشه سکن به معنای مکانی است که در آن آرامش و سکونت وجود داشته باشد. این واژه و مشتقات آن ۲۱ بار در قرآن کریم بیان شده‌اند.

۳. **دیار و دیار:** این واژه از ریشه "دور" به معنای مکان و محل است؛ از این‌رو، نسبت به واژه‌های بیت، مسکن، عرصه، محله، بناء عمومیت دارد و همه را شامل می‌شود.

۴. **بناء و بنیان:** این دو واژه از ریشه بنی مشتق شده‌اند و بر هرچه ساخته و بنا گردیده است، مانند ساختمان، دیوار، اتاق، بنیاد و... دلالت می‌کند. این واژه و مشتقات آن ۲۰ مرتبه در ۵۱ آیه قرآن بکار رفته‌اند.

۵. **قصر:** این واژه به بنایی اطلاق می‌شود که دارای استحکام زیاد و ارتفاع کم باشد. این لفظ ۴ بار در قرآن کریم استفاده شده است.

۶. **صرح:** این واژه به بنای دارای استحکام اما با ارتفاع زیاد اطلاق می‌گردد و ۴ بار در قرآن کریم استفاده شده است.

۷. عماد: این کلمه از ریشه عمد مشتق شده است که در مورد معنای آن دو دیدگاه متفاوت ارائه شده است: برخی آن را به معنای بناهای رفیع و برخی دیگر آن را به معنای ستون‌های رفیع و بلند گرفته‌اند. این واژه ۷ بار در قرآن کریم استفاده شده است. واژگان دیگری نیز مانند مدینه، قریه، عمارت، عروش و... در مورد خانه و مسکن در آیات و روایات به کار رفته است.

مطابق آیات گوناگونی که واژگان فوق در آن استفاده شده‌اند، نیاز به مسکن به عنوان یکی از نیازهای اصلی و مهم انسان مورد توجه خدای متعال قرار گرفته است؛ برای نمونه در آیه "إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ" (آل عمران، ۹۶). در این آیه خدای متعال به آفرینش خانه کعبه اشاره دارد که جهت تأمین نیاز معنوی انسان به عبادت و خداپرستی بنا نهاده شده است. مطابق این آیه، خانه آرمانی مسلمانان، جایی است که حضور فیزیکی و معنوی آن، انسان را به سعادت می‌رساند (وثیق و همکاران، ۱۳۸۸: ش ۱۱، ۱۰۱-۱۰۲). و نیز در آیه "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاطِرِينَ إِنَاءُ وَ لَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعَمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَ لَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَ اللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ وَ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَا أَنْ تَنْكِحُوا أَرْوَاحَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا" (احزاب، ۵۳)، خدای متعال به خانه به عنوان سرپناه و جایگاهی برای آسایش و راحتی انسان اشاره نموده است. در این آیه خدای متعال از ورود بدون اذن به خانه انبیاء منع نموده است مگر زمانی که از آن بزرگواران اذن گرفته شده باشد؛ یعنی ورود بدون اذن، باعث سلب آرامش و آسایش آن حضرات می‌گردد و لذا جایز نیست. "مسلمان این حکم اختصاص به پیامبر ندارد، در هیچ مورد بدون اجازه نباید وارد خانه کسی شد. به علاوه به هنگامی که دعوت به طعام می‌شوند باید وقت‌شناس باشند و مزاحمت بی‌موقع برای صاحب خانه فراهم نکنند" (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ۳۹۹).

در آیه ۲۷ نور حکم فوق را که در مورد رسول خدا بیان فرموده است، برای همه مردم بیان می‌کند: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَدْكَرُونَ" (نور، ۲۷). از این گونه آیات دو نکته کلیدی بدست می‌آید: ۱. اینکه هر فردی به یک سرپناه و خانه نیاز دارد؛ ۲. اینکه هر سرپناهی برای اهل آن، به عنوان مکان شخصی از سوی دیگران، محترم شمرده شود و کسی به هیچ وجه بدون اجازه به آن حق ورود نداشته باشد.

در آیه ۸۰ نحل به زیبایی بیان شده است که خدای متعال خانه را به عنوان محل سکونت و آرامش شما قرار داد. "وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ أَصْوَابِهَا وَ أَوْبَارِهَا وَ أَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَ مَتَاعًا إِلَى حِينٍ" (نحل، ۸۰). این آیه نشان می‌دهد که خدای متعال به نیاز انسان به مثابه مخلوق خود کاملاً توجه دارد و لذا خانه را به عنوان محل آسایش او را قرار داده است. نیز در آیه ۸۷ یونس فرموده است: "وَ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَ أَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ"



بُيُوتًا وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ اَقِيْمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (یونس، ۸۷). در این آیه به خوبی نشان داده شده است که یکی از کارهای مهم حضرت موسی مطابق دستور خدای متعال ساخت و انتخاب خانه مناسب برای پیروان خویش است. این آیه نیز نشان می‌دهد که توجه به خانه و مسکن به عنوان یکی از نیازهای بنیادین بشر مورد توجه خدای متعال قرار گرفته است البته در هر بخشی که سخن از مسکن و خانه است، معیار و حکمی نیز برای خانه انسان بیان شده است. برای نمونه در همین آیه ۸۷ سوره یونس گفته شده است که خانه‌ها را مقابل هم بسازید؛ زیرا "این کار کمک مؤثری به تمرکز و اجتماع بنی اسرائیل می‌کرد، و می‌توانستند مسائل اجتماعی را بطور عمومی مورد بررسی قرار دهند، و به عنوان انجام مراسم مذهبی دور هم جمع شوند و برای آزادی خویش نقشه‌های لازم را طرح نمایند" (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸، ۳۷۱).

۳. نیاز به لباس

داشتن لباس و پوشش مناسب، یکی از نیازهای مهم انسان است. لباس و پوشش، سبب تأمین نجات انسان از گرما و سرما شده و نیاز انسان به خوب جلوه نمودن و خوب دیده شدن را برطرف می‌نماید. از همان آوان پیدایش انسان، توجه به لباس و پوشاندن عورت، از توجهات اصلی بشر بوده است که در فرهنگ‌ها و ادبیات شعری و داستانی و هنری ملت‌ها به شکل‌های گوناگون تبارز نموده است. سنگ‌های تراشیده شده در مغارها، نشان از حضور پوشش و توجه به لباس، از آغازین لحظات آفرینش انسان حکایت می‌کند. در واقع هر کسی متناسب با شخصیت و نوع اندیشه و فکر خود، اقدام به انتخاب لباس می‌نماید، به گونه‌ای که لباس هر فرد تا حد زیاد نشان دهنده فرهنگ، باور، دانش، آگاهی و سلیقه وی است؛ از این‌رو در موارد زیادی اتفاق می‌افتد که افراد بر اساس نوع لباس خود مورد ارزیابی و قضاوت دیگران قرار می‌گیرند. این خواست و نیاز مهم در آیات قرآن کریم نیز مورد توجه قرار گرفته است. لباس و دیگر مشتقات هم معنای آن در ۱۹ آیه قرآن کریم به کار رفته است؛ برای نمونه می‌توان از مورد زیر نام برد:

«يَا بَنِي آدَمَ قَدْ اَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللّٰهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» (اعراف، ۲۶)

لباس از ماده لبس است. این کلمه اگر به ضم باشد به معنای لباس و پوشیدنی است و اگر به فتح باشد به معنای مشتبه نمودن و خلط کردن یک امر و شی با چیزی دیگر است. در این آیه خدای متعال به فرزندان حضرت آدم یادآور می‌شود که "ای فرزندان آدم، اسی بر شما فرو فرستادیم، که (اندام شما را می‌پوشاند و) زشتی‌های بدنتان را پنهان می‌سازد." لکن فایده این لباس فقط پوشاندن بدن و حفظ آن از سرما و گرما و دیگر خطرات نیست بلکه باعث زینت و تجمل‌تان نیز محسوب می‌شود و بدن شما را زیباتر از آنچه هست، نشان می‌دهد. واژه ریش اشاره به همین مقصود دارد؛ زیرا این کلمه به معنای پرهای پرندگان است و از آنجا که پرهای پرندگان لباسی طبیعی آنها است، به هرگونه لباس، نیز گفته می‌شود، و سی چون پرهای پرندگان غالباً به رنگ‌های مختلف و زیبا است، یک نوعی زینت در معنای کلمه "ریش" قرار دارد، علاوه بر این به پارچه‌هایی

که روی زین اسب و یا جهاز شتر می‌اندازند" ریش" گفته می‌شود. البته برخی از مفسران این کلمه را در مفهوم عام و به معنای اثاث و وسایل مورد نیاز انسان گرفته‌اند. در آخر می‌فرماید لباس تقوا از آن هم بهتر است. تشبیه تقوا به لباس، رسا و زیبا است؛ زیرا چنانکه لباس، باعث پوشش، زینت و حفظ بدن از خطرات می‌گردد، تقوا نیز چنین است. "روح تقوا و پرهیزکاری نیز علاوه بر پوشانیدن بشر از زشتی گناهان و حفظ از بسیاری از خطرات فردی و اجتماعی، زینت بسیار بزرگی برای او محسوب می‌شود. زینتی است چشم‌گیر که بر شخصیت او می‌افزاید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۶، ۱۳۲). به طور کلی لباس هم در مفهوم لباس اصلی خودش که پوشش ظاهری است استفاده شده است و هم در مفهوم پوشش معنوی مانند تقوا که پوشش معنوی جهت پوشاندن و حفظ انسان از خطرات گناه، انحراف و کارهای خلاف عقل و شرع است. این آیات و مشابه آن نشان می‌دهند که خدای متعال به لباس به عنوان یک نیاز انسان توجه نموده است و آن را به عنوان ابزاری جهت حفظ انسان از سرما و گرما و انواع خطرات نام برده و علاوه بر آن از لباس به عنوان ابزار زیبایی انسان، یاد کرده است و از آنجا که انسان ارزش و کاربرد لباس را بیش از هر چیز دیگر درک می‌کند، موارد نامحسوس زیادی مانند تقوا، لباس بودن زن نسبت به مرد و مرد نسبت به زن، لباس گرسنگی و فقر، لباس بودن شب نسبت به روز و مانند اینها را خدای متعال در قرآن کریم با استفاده از این نیاز محسوس انسان بیان نموده است.

۴. نیاز جنسی

یکی از نیازهای اساسی انسان، نیاز جنسی است که در نوشته‌های روان‌ناسان و اندیشمندان مدیریت به صورت گسترده مورد توجه قرار گرفته و باعث خلق ادبیات شعری، نمایشی، داستانی، علمی و تاریخی گسترده و رخدادهای تاریخی ناگوار و گاه شیرین را به وجود آورده است. این نیاز از سوی اندیشمندان مانند فروید، تنها موتور محرک و انگیزه بخش انسان است که اگر تأمین شود، دنیای انسان‌ها به آرامش می‌رسد اما اگر تأمین نشود و یا سرکوب شود، موانع زیادی در جهت رشد و توسعه فردی و جمعی انسان‌ها به وجود می‌آیند. این نیاز و چگونگی کارکرد و تأمین آن، مورد توجه آیات قرآن کریم و انبیای الهی به ویژه رسول خدا حضرت محمد ﷺ واقع شده است و در این مورد رهنمودهای بنیادینی را ارائه داده است.

در دین مبین اسلام، تأمین نیازهای جنسی از طریق ازدواج تنها راه مشروع و اساس تأمین سایر نیازهای افراد، سلامت و تندرستی فرد، آسایش اجتماعی و امنیت جمعی محسوب می‌شود. واژگان به کار رفته در قرآن کریم واژه‌های مانند نکاح و مشتقات و واژه زوج و مشتقات آن است. نکاح در لغت به معنای ضم (پیوستن) است و لغت «زواج» به معنای قرین و مقارن از یک جنس استفاده شده است. «الزواج یدل علی مقارنۃ شیء لشیء من ذلک» (ر.ک. ابن فارس، ۱۳۸۹ق). هم‌چنین نکاح در اصطلاح عرب، به معنای مختلفی بیان شده است. این واژه هم بر «عقد» و هم بر «وطی» (جماع) اطلاق شده است. از ظاهر بیشتر آیات قرآن، چنین استنباط می‌شود که نکاح به معنی عقد است:



«... وانكحو الايامى منكم...» (نور، ۳۲)؛ «... وابتلوا اليتامى حتى اذا بلغوا النكاح...» (نساء، ۶)؛ «... ايها الذين آمنوا اذا نكحتم المؤمنات...» (احزاب، ۴۹)؛ لکن در برخی آیه‌ها، منظور از نکاح، وطی است نه عقد؛ از جمله آیه‌ای که در مورد زنان سه طلاقه است: «حتی تنکح زوجاً غیره...» (بقره، ۲۳۰) البته به نحو مستقیم، این نکته از آیه به دست نمی‌آید که مراد از نکاح وطی است؛ بلکه به قرینه دیگر که از خارج به دست می‌آید، این معنی مراد می‌شود و به ذهن می‌آید.

واژه نکاح و مشتقات آن ۱۱ مورد بیان شده است. نیز در ۴۵ آیه قرآن کریم کلمه زوج و مشتقات آن جهت بیان اصل نیاز انسان به ازدواج و احکام آن بیان شده است؛ به عنوان نمونه در آیه ۲۱ سوره روم، خدای متعال فرموده است: وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم، ۲۱). در آیه خدای متعال بیان فرموده است که از نشانه‌ها و آیات خدای متعال خلق و آفرینش همسری است که کاملاً از نظر جنس و خلقت شبیه هم‌اند و اینکه هدف از آفرینش همسر دستیابی به سکونت و آرامش است. با ازدواج انسان به غنا و نیازمندی روحی می‌رسد. ازدواج هم سکونت جسمی و مادی را در پی دارد وهم سکونت و آرامش روحی را به دنبال دارد. محبت و مهری که از راه ازدواج برای دو نفر پیدا می‌شود، هدیه الهی است که سلامت و پایداری زندگی انسان را تأمین می‌نماید.

۵. نیاز به خواب، آسایش و استراحت

یکی دیگر از نیازهای اساسی انسان خواب و استراحت است. در این مورد نیز اندیشمندان تحقیقات گسترده‌ای انجام داده و تأثیرات خواب بر سلامتی، بهداشت روان، عمر طولانی و موفقیت افراد را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه این تحقیقات وجود ارتباط مستقیم بین خواب سالم و موارد فوق است. انسان‌های سالم، دارای تعادل روحی و موفقیت، کسانی هستند که خواب سالم دارند؛ از طرف دیگر عدم خواب و با خواب بدون کیفیت مسایل جسمی، روحی و اجتماعی زیادی را برای انسان‌ها در پی دارد؛ از این رو، خواب به عنوان یکی از نیازهای اصلی و مهم انسان شمرده شده است. در قرآن کریم و سنت نبی مکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام از خواب به عنوان یک نیاز مهم انسانی نام برده شده است که باید در چارچوب علمی و متناسب انجام شود.

آیه ۲۳ روم خواب را از آیات و نشانه‌های قدرت و حکمت الهی معرفی نموده است: وَ مِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ ابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (روم، ۲۳). مطابق این آیه خواب مقدمه دسترسی انسان به کار و کوشش و در نهایت دسترسی به معاش و زندگی عزتمند است. اگر خواب به خوبی انجام شود، انسان می‌تواند از مواهب و فضل الهی بهره‌مند شود اما اگر خواب وجود نداشته و با ناقص انجام شده باشد، کسی نمی‌تواند آرامش و توان استفاده از نعمت‌های الهی داشته باشد؛ از این رو است که خواب به عنوان یکی از نشانه‌های الهی شمرده شده است. نیز آیه ۹ سوره نساء، خواب را مایه آرامش انسان‌ها معرفی نموده است: وَ جَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (نساء، ۹).

۶. نیاز به محیط مناسب و سالم

انسان متأثر از دو بعد جسمانی و روحانی است. این دو بعد کاملاً در هم تنیده بوده و متأثر از یکدیگرند؛ هر اتفاقی برای جسم پیش بیاید، روح نیز متأثر می‌شود؛ هر رویدادی برای روح اتفاق بیافتد، جسم نیز از آن متأثر می‌گردد؛ از این رو، یکی از نیازهای مهم انسان، محیط سالم و مناسب است. منظور از سلامت محیط، عاری بودن آن از هر چیزی است که به جسم یا روح آسیب وارد می‌کند. منظور از مناسبت این است که از یک طرف با ویژگی‌های جسمی و روحی فرد سازگار باشد و از سوی دیگر زمینه تکامل و بهبود وضعیت جسمانی و روحانی فرد را فراهم نماید. چنین محیطی، یکی از مؤلفه‌های انگیزش محسوب می‌شود؛ هر فردی وقتی در محیط سالم و مناسب، کار و زندگی نماید، انگیزه پیدا می‌کند که برای انجام کار، بهره‌وری در کار، بهبود کار خویش از هیچ تلاشی فروگذار ننماید و بلکه به ارتقا و بهبود آن بپردازد. چنین محیطی همیشه فرد را دلتنگ خود می‌کند و هرگاه از آنجا دور شود، اشتیاق دارد که هر چه زودتر به آنجا برگردد. از منظر اسلام محیط مورد توجه جدی قرار گرفته است؛ لذا مساجد و مکان‌های مقدسی مانند خانه خدا، قبور انبیاء و اولیای الهی به عنوان محیط‌های اثرگذار بر شخصیت و منش افراد و تأمین کننده نیازهای انسان معرفی شده‌اند. نیز در بحث تربیت کودکان و افراد به فضا و مکان توجه شده است.

اینکه مکان روی شخصیت و انگیزه انسان اثرگذار است، در ادبیات روان‌شناسی، معماری و مدیریت هم مورد توجه قرار گرفته است در بیش از نیم قرن، محققان، رابطه بین محیط زیست و بهداشت روانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. داده‌ها رابطه مثبتی را بین این دو نشان می‌دهد. این پژوهش‌ها به صورت تخصصی در رشته‌های روان‌شناسی محیط، اکولوژی و روان‌شناسی سلامت و بهداشت روانی انجام شده است (سالاری فر و همکاران: ۴۱۴). نظریه دو عاملی هرزبرگ، یکی از نظریه‌های شناخته شده مدیریت جهت انگیزش نیروی انسانی است. در این نظریه دو دسته عامل بهداشتی و روانی را آقای هرزبرگ جهت انگیزش نیروی انسانی نام برده است. عامل بهداشتی عوامل است که نبود آنها سبب انگیزش نیروی انسانی می‌گردد، برای نمونه در گرمای تابستان محل کار افراد باید دارای هوای خنک و مناسب باشد اما اگر سازمانی چنین هوای را نادیده بگیرد، افراد برانگیخته می‌شوند و نسبت به تأمین این نیاز از سوی سازمان تلاش می‌نمایند. عامل روانی به این نکته اشاره دارد که وجود برخی عوامل سبب انگیزش افراد می‌شود. در مثال فوق اگر، سازمان به جای کولر آبی، کولر گازی جهت خنک‌سازی فضای کاری افراد خود نصب نماید، باعث انگیزش آنها جهت کار و خدمت بیشتر می‌شود.

در قرآن کریم آیات زیادی به این موضوع مربوط می‌شود؛ از جمله در آیه ۵ حج خدای متعال فرموده است: «وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» (حج، ۵). واژه بهیج از ماده "بهج" و "بهجه" گرفته شده و به معنای شادی، خوشحالی و سرور است که از نیکویی و زیبایی چیزی ناشی می‌شود. شیخ طوسی در تفسیر این آیه بیان داشته است: فالبهيج الحسن الصورة، الذی یمتع فی الرؤیة؛ بهیج و بهجه چشم‌انداز زیبایی است که چون انسان بدان نظر کند، غرق در شادی



و سرور شود (طوسی، بی تا: ج ۷، ۲۹۱). این آیه نشان می‌دهد که فضای و مکان مناسب یکی از نیازهای انسان است و لذا خدای متعال بیان فرموده‌است که باران می‌فرستم تا زمین زمستان دیده، به بوستان شادی‌آفرین برای انسان تبدیل شود. در وصف خانه و مسکن نیز، ویژگی‌های زیادی از آیات قرآن کریم به دست می‌آید که یکی از آنها سکونت و آرامش است. خدای متعال به عنوان خالق هستی و بشر می‌داند که انسان به محیط و مکان مناسب نیاز دارد تا ضمن قرار گرفتن در آن بتواند هم از لحاظ جسمی به آسایش و آرامش برسد و هم از لحاظ روحی. در آیه ۸۰ نحل خدای متعال فرموده‌است: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأُوبَارِهَا وَشُعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ» (نحل، ۸۰). در آیه خدای متعال اشاره نموده‌است که انسان هم در حضر و هم در سفر نیاز به خانه و جایی مناسبی دارد که در آن به سکونت و آرامش برسد؛ لذا خانه‌ها را خدای متعال جهت تأمین نیاز انسان به آرامش و سکونت قرار داده‌است. این خانه‌ها، هم برای مسافرت لازم است و هم برای زمان غیر مسافرت. در هر دو حال آنچه نسبت به خانه باید مورد توجه قرار بگیرد، مناسب بودن آن است که در این آیه خدای متعال آن را مورد توجه قرار داده‌است. در سفر خانه‌ها، باید موجب سکونت و آرامش شوند؛ لذا خدای متعال در ادامه آیه ۸۰ نحل فرموده‌است: "و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه‌هایی قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتتان، به آسانی می‌توانید آنها را جابه‌جا کنید". در این قسمت مهم‌ترین ویژگی خانه مسافرتی مورد اشاره قرار گرفته‌است که عبارت است از آسانی حمل و نقل. خانه ساخته شده از پوست چارپایان علاوه بر اینکه نرم و راحت است، به آسانی قابل حمل نیز می‌باشد و لذا خدای متعال این نکته را مورد اشاره قرار داده و مناسبت آن را به عنوان خانه مسافرتی برای انسان‌ها ذکر کرده‌است.

۷. نیاز به کار، شغل و تجهیزات مناسب

یکی دیگر از نیازهای انسان، کار و شغل و داشتن تجهیزات مناسب زندگی است. در واقع این نیاز یک نیاز مقدماتی جهت تأمین نیازهای دیگر است. انسان برای زندگی، بقا و بهبود زندگی خود به غذا، پوشاک و مسکن نیاز دارد اما برای اینکه بتواند به این نیازها، جامه عمل بپوشاند، به کار و شغل نیاز دارد. کار و شغل سبب دسترسی فرد به ابزارهای تأمین کننده نیازهای خود می‌شود؛ کسی که کار و درآمد کافی دارد، می‌تواند نیازمندی‌های مادی زندگی خود را فراهم نماید اما اگر چنین نباشد، فراهم‌سازی زمینه تأمین نیازهای مادی نیز برای وی غیر ممکن می‌گردد؛ از این رو، نیازها به کار زمینه‌ساز، تأمین نیازهای مادی فرد محسوب می‌شود که البته همین نقش را در مورد نیازهای معنوی هم ایفا می‌کند؛ یعنی کار و اشتغال زمینه‌ساز تأمین نیازهای معنوی فرد نیز محسوب می‌شود؛ برای نمونه کسی که کار و شغل داشته باشد، می‌تواند عزت نفس هم داشته باشد. علاوه بر کار، نیاز به تجهیزات مناسب هم یکی از نیازهای انسان است. این تجهیزات متناسب با هر زمان و مکان، می‌تواند امور گوناگون باشد، از خانه خوب تا وسیله رفت و آمد و دیگر تجهیزات ضروری برای زندگی؛ لذا در قرآن کریم فرموده‌است: برای آدمی جز آنچه خود انجام داده، نخواهد بود؛ یعنی بقای وجود و هستی آدمی، "بودن" او، حیات مادی و معنوی، دنیوی و اخروی او، شخصیت و هویت او و بلکه همه چیز او منوط و وابسته به

"کار و تلاش" اوست و لاغیر و "هرکس کوشش کند، فقط برای شخص خود کوشش کرده است" و "به سود خود اوست و خدا البته بی نیاز است".

واژگان زیادی در قرآن کریم، مترادف و هم معنای "کار و تلاش" است؛ برای مثال: در قرآن از کلمه "عمل" با مشتقاتش ۳۶۶ و کلمه فعل با مشتقاتش ۱۰۷ و کلمه جهد با مشتقاتش ۴۱ و کلمه سعی با مشتقاتش ۳۰ مرتبه و کلمه "صنع" با مشتقاتش ۳۰ مرتبه و... استفاده شده است. نیز در قرآن کریم حدود ۴۰۰ آیه در تشویق به "کار و تلاش" و بیان ارزش و اهمیت "کار و تلاش" وارد شده است و همچنین، تعدادی از آیات منور قرآن کریم، درباره مشاغل پیامبران بزرگوار الهی است؛ هرچند مسئولیت خطیر و اصلی همه پیامبران الهی، هدایت جوامع بشری بوده است؛ اما برای اینکه سربار دیگران نباشند، خود به "کار و فعالیت" مشغول بوده اند تا هم معاش خویش را تأمین نمایند و هم دیگران را در این مسیر تشویق به "کار و تلاش" نمایند.

جمع بندی و نتیجه گیری

براساس آنچه در این نوشتار بحث شد، انگیزش نیروی انسانی در قرآن کریم دارای ابعاد خاصی است که شامل بعد مادی، روانی و معنوی می‌تواند باشد. این ابعاد، مؤلفه‌های ویژه‌ای را برای انگیزش نیروی انسانی در سازمان معرفی می‌کند که در سه دسته مؤلفه‌های برخواسته از بعد مادی وجود انسان، مؤلفه‌های برخواسته از بعد معنوی انسان و مؤلفه‌های برخواسته از بعد معنوی انسان قابل تقسیم است. در این نوشتار به روش استنباطی تحلیلی مؤلفه‌های انگیزشی برخاسته از ساحت مادی نیروی انسانی با مراجعه به قرآن کریم بحث و تحلیل گردید. این مؤلفه‌ها چنانکه بحث شد، عبارتند از نیاز به تغذیه، مسکن، استراحت، شغل، تجهیزات و امکانات مناسب زندگی و نیاز به محیط مناسب و سالم. این نیازها در ادبیات مدیریتی هم بحث شده است، اما از دو جهت کلی تفاوت‌های بین نگاه اندیشمندان مدیریتی و رویکرد قرآنی می‌توان بیان نمود:

۱. در محتوای این نیازها، اینکه نیاز به تغذیه شامل چه چیزی می‌تواند باشد؛ آیا نیاز به تغذیه، تغذیه با هر نوع غذا و مواد را شامل می‌شود، یا اینکه محتوای این نیاز و به عبارتی تغذیه باید در چارچوب اصول و قواعدی صورت بگیرد. در نظر اندیشمندان مدیریت و روان‌شناسی این محتوا مهم نیست و قاعده خاصی جز قاعده عقلی عدم ضرر به بدن، معیاری برای انتخاب محتوای این نیاز، معرفی نشده است اما در رویکرد قرآنی، علاوه بر قاعده و اصل عدم ضرر به جسم، اصول و بایدهای دیگری نیز حاکمیت دارد که معیار کلی و شاخص اصلی، عدم مخالفت با شرع و دین است. اگر در شرع، از محتوای به عنوان محتوای نامشروع نام برده شده باشد، استفاده از آن درست نیست که در این زمینه کتاب اطعمه و اشربه در فقه بحث‌های مفصلی دارد.

۲. نکته دوم هدف است که هر نیازی باید برای یک هدف تأمین شود، برای مثال اگر نیاز به تغذیه به منظور گناه نمودن، تأمین شود، مشروع نیست؛ اما اگر جهت تحقق خواست‌ها و اهداف بیان شده در دین مقدس اسلام تأمین شود، مجاز است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷)، مجموعه آثار، ج ۲، قم و تهران، انتشارات صدرا، نوبت چهارم.
۳. براندن، ناتانیل، (۱۳۸۸)، روان‌شناسی عزت نفس، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران، انتشارات نخستین.
۴. سبحانی، جعفر، (۱۳۶۴)، منشور جاوید، ج ۴، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۵. شولتز، دوان، سیدنی، شولتز، (۱۳۷۸)، تاریخ روان‌شناسی نوین، تهران، نشر دوران.
۶. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، رسایل توحیدی، رساله وسایط فیض، قم: بوستان کتاب.
۷. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم دفتر انتشارات اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. طوسی، محمدبن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۹. محمدرضا سالاری فر، محمصدق شجاعی، سید مهدی موسوی اصل، محمد دولتخواه، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، تهران و قم، انتشارت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۸، قم، انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۱۷، قم، انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۶، قم، انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۱۳. وثیق، بهزاد و پشوتنی زاده، آزاده؛ بمانیان، محمدرضا، (۱۳۸۸)، مکان و مسکن از منظر اسلام، دوفصلنامه.
۱۴. پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۱۱، ۱۰۲-۱.

15- Maslow, A.H., Toward a psychology of being, Third edition, New York, 1998, p: 27